

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه فلسفه

بررسی زبان در کراتیلوس افلاطون با تاکید بر

آراء فرانسیسکو آدمولا

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته ی فلسفه

گرایش غرب

محمد امین تاجیک

استاد راهنما:

دکتر علی فتح طاهری

استاد مشاور:

دکتر سید محمد حکاک قزوینی

خرداد ۹۲

الحمد لله
البرحمين!



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

معاونت آموزشی - مدیریت تحصیلات تکمیلی

فرم شماره ۳۰

فرم تأییدیهی هیأت داوران جلسه دفاع از پایان نامه ارشد

بدین وسیله گواهی میشود جلسه دفاعیه از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای محمد امین تاجیک دانشجوی رشته فلسفه تحت عنوان "بررسی زبان در کراتیلوس افلاطون با تأکید بر آراء فرانسیسکو آدمولا" در تاریخ ۹۲/۳/۲۱ در دانشگاه برگزار گردید و این پایان نامه با نمره ۱۸.۴۰۵ و درجه بسیارخوب مورد تأیید هیأت داوران قرار گرفت.

ردیف	سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبیه دانشگاهی	دانشگاه	امضا
۱	استاد راهنما	دکتر علی فتح طاهری	استادیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	
۲	استاد مشاور	دکتر سید محمد حکاک	استادیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	
۳	داور داخل	دکتر عبدالرزاق حسامی فر	استادیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	
۴	نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر محمد شفیع صفاری	استادیار	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	

بسمه تعالی

دانشگاه بین المللی امام خمینی



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
معاونت آموزشی دانشگاه - مدیریت تحصیلات تکمیلی

تعهد نامه اصالت پایان نامه

اینجانب محمد امین محمدی دانشجوی رشته فلسفه مقطع تحصیلی ارشد بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود در مباحث مطروحه در پایان نامه / تز تحصیلی خود، با عنوان بررسی زبان در کربلا (املا و تلفظ) به تأیید کرده، اعلام می نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی، خارجی و یا بین المللی، نبوده و تعهد می نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد و یا لوازم این تعهد نامه در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ التحصیلی و یا پس از آن و یا تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال و ... دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به لغو و ابطال مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت ها و پیامدهای قانونی و یا خسارت وارده از هر حیث متوجه اینجانب می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو محمد امین محمدی
امضاء و تاریخ
۹۲/۴/۱۱

مجوز بهره برداری از پایان نامه/ رساله

کلیه حقوق اعم از چاپ، تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و ... از نتایج این پایان نامه برای دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره) قزوین محفوظ است. بهره برداری از این پایان نامه/ رساله در چهارچوب مقررات کتابخانه و با توجه به محدودیتی که توسط استاد راهنما به شرح زیر تعیین می شود، بلامانع است:

- بهره برداری از این پایان نامه/ رساله برای همگان بلامانع است.
- بهره برداری از این پایان نامه/ رساله با اخذ مجوز از استاد راهنما، بلامانع است.
- بهره برداری از این پایان نامه/ رساله تا تاریخ ممنوع است.

استاد راهنما می تواند یکی از گزینه های بالا را انتخاب کند و مسئولین کتابخانه موظف به رعایت موارد تعیین شده می باشد.

نام استاد راهنما: 

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۴/۰۵

امضاء:

چکیده:

رساله کراتیلوس، که یکی از محاورات مهم افلاطون محسوب می شود، به مسئله ی زبان می پردازد. عنوان اصلی این محاوره، درباره «درستی نام هاست». این پژوهش، رساله کراتیلوس را با تأکید بر تفسیر "فرانسیسکو آدمولا" مورد بررسی قرار می دهد و می کوشد تا مباحث مهم زبان شناسی آن را توضیح دهد. از مهم ترین مسائل زبان شناختی این محاوره می توان به درستی اسامی، طبیعت گرای، قراردادگرایی، نسبی گرای، صدق و کذب، پارادوکس کراتیلوس و ریشه شناسی اشاره کرد. در این محاوره، در خصوص منشأ زبان دو نظریه افراطی قراردادگرایی و طبیعت گرای مطرح می شود که از دو شخصیت اصلی محاوره، یعنی هرموگنس و کراتیلوس، اولی از قراردادگرایی و دومی از طبیعت گرای جانبداری می کنند. شخصیت اصلی سوم یعنی سقراط، که آرای او در این رساله بیانگر نظر افلاطون است، نظریه ای معتدل و میانه را مطرح می کند. این آراء به تفصیل بیان می شود و ادله هر یک مورد بررسی قرار می گیرد.

کلیدواژه ها: کراتیلوس، هرموگنس، آدمولا، زبان، طبیعت گرای، قراردادگرایی

فهرست

مقدمه..... ۱

بخش ۱: ساختار رساله کراتیلوس و شخصیت های آن..... ۴

۱-۱. ساختار رساله

۱-۱-۱. تاریخچه رساله کراتیلوس..... ۵

۱-۱-۲. تاریخ نمایشی رساله کراتیلوس..... ۷

۱-۱-۳. درستی نام ها..... ۸

۱-۱-۴. نگرش کلی به رساله ی کراتیلوس..... ۱۱

۲. ۱. شخصیت های محاوره..... ۱۷

۱-۲-۱. سقراط..... ۱۷

۱-۲-۲. کراتیلوس..... ۱۷

فهرست

۲۰-۲-۳. هر موگنس ۲۰

بخش ۲: زبان شناسی رساله ۲۲

۲-۱. آغاز محاوره ۲۳

۲-۱-۱. طبیعت گرای کراتیلوس ۲۳

۲-۱-۲. اختلاف نوموس و فوسیسی ۲۵

۲-۱-۳. نام هر موگنس ۲۸

۲-۱-۴. منشأ اسامی ۳۱

۲-۲. دفاع از طبیعت گرای ۳۴

۲-۲-۱. طبیعت داشتن افعال - بریدن و سوختن ۳۴

۲-۲-۲. صحبت کردن و گفتار ۳۵

فهرست

- ۳-۲-۲. نامگذاری - نامیدن..... ۳۶
- ۴-۲-۲. اسامی همچون وسیله و ابزارند..... ۳۸
- ۵-۲-۲. آموزش و یادگیری بکار بردن نام ها ۴۱
- ۶-۲-۲. چه کسانی می توانند واضع نام ها باشند؟..... ۴۴
- ۷-۲-۲. قانونگذار کیست؟ ۴۸
- ۸-۲-۲. صورت اسامی ۵۲
- ۹-۲-۲. لوگوس ۵۷
- ۱۰-۲-۲. قانونگذار و اهل دیالکتیک ۶۰
- ۳-۲. قراردادگرایی هرموگنس..... ۶۷
- ۱-۳-۲. نظریه هرموگنس درباره درستی اسامی..... ۶۷

فهرست

۲-۳-۲. زبان خصوصی هرموگنس، اسامی عام و خاص ۷۱

۲-۳-۳. صدق و کذب جملات ۷۸

۲-۳-۴. صدق و کذب اجزاء جمله و مغالطه ی تقسیم ۸۲

۲-۳-۵. صدق و کذب اسامی ۸۵

۲-۳-۶. پارادوکس کراتیلوس و سخن دروغ ۸۹

۲-۳-۷. نظریه ی هرموگنس و نسبی گرایی پروتاگوراس ۹۶

بخش ۳: ریشه شناسی ۱۰۱

۳-۱. ریشه شناسی رساله کراتیلوس ۱۰۲

۳-۲. ترتیب موضوعات ریشه شناسی رساله ی کراتیلوس ۱۰۵

فهرست

جمع بندی و نتایج..... ۱۱۰

منابع ۱۱۴

مقدمه

رساله کراتیلوس یکی از دشوارترین و در عین حال جذاب ترین محاورات افلاطون است که رابطه اسم را با شیئی که اسم بر آن اطلاق می شود، مورد بررسی قرار می دهد. در واقع، رساله کراتیلوس گفتگو درباره واژه ها و چگونگی اشتقاق آنهاست و به حق می توان گفت یکی از نخستین گام هایی است که در زبان شناسی برداشته شده است. پژوهش حاضر یک تفسیر زبان شناسانه فلسفی و در برخی موارد، همراه با تفسیری تاریخی از کراتیلوس افلاطون است؛ البته، محوریت این پژوهش نیز بر اساس گزارش مشروح «فرانسیسکو آدمولا» قرار گرفته است و علاوه بر استفاده از منابع معتبر دیگری مثل گاتری، تیلور و آکريل، این منبع به عنوان پایه و بنیان شرح مباحث رساله حاضر است. از آنجا که فحواي مباحث کراتیلوس افلاطون، رویکردی زبان شناسانه اتخاذ می کند و در آن، کمتر به مسائل معرفت شناختی پرداخته می شود و هم چنین، مسائل هستی شناسی نیز به عنوان دیدگاه افراد، نسبت به زبان مطرح می شود و موضوع فرعی تری نسبت به زبان هستند؛ لذا، عنوان پژوهش حاضر براساس همین موضوع است و سعی می شود صرفاً به مسئله ی زبان در کراتیلوس افلاطون بپردازد. اگرچه، ممکن است ناگزیر شویم در برخی جاها به مسائل معرفت شناسی یا هستی شناسی نیز اشاره کنیم، که البته بی ارتباط با موضوع زبان شناسی نیستند. از یک طرف، این پژوهش سعی دارد مسائل مهم زبان شناسی کراتیلوس را بررسی کند و از طرف دیگر، به هیچ وجه ادعا نمی کند تمام موضوعات و مسائل زبان شناسی رساله کراتیلوس را، به طور کامل بیان کرده است؛ البته سعی شده به موضوعات مهم محاوره بیشتر پرداخته شود و در حد توان رساله شرح داده شوند. بنابراین، همواره به این مسائل در چارچوب خود رساله ی کراتیلوس پاسخ داده می شود و به جز در برخی موارد، از آن فراتر نمی رود، اگرچه طبیعتاً گاهی تفاسیر جدید نیز در شرح مطالب فوق، ذکر می شوند. هر چند که برخی موضوعات زبان شناسی کراتیلوس ممکن است امروزه چندان طرفداری نداشته باشند و حتی مطرود یا منسوخ قلمداد شوند؛ اما از لحاظ موقعیت رساله های افلاطون و مباحثی که در آن زمان مطرح بوده، بسیار حائز اهمیت است. این موضوع واضح است که، تحقیق و بررسی زبان کراتیلوس افلاطون تنها در یک پژوهش کوتاه، غیرممکن است و هرگز نمی توان حق مطلب را ادا نمود؛ چراکه، علاوه بر تنوع موضوعات و پیچیدگی و ارتباط آنها با یکدیگر، حجم زیادی از مطالب نیز وجود دارد که می بایست هر یک در جای دیگر و در پژوهشی تخصصی تر مورد بررسی قرار گیرند. بنابراین، مشکلی که پژوهش حاضر نیز با آن مواجه بوده، این است که حتی بررسی خود زبان و زبان شناسی رساله ی کراتیلوس نیز به خودی خود کاری دشوار است، چرا

که عنوان «زبان» فی نفسه موضوعی کلی را بیان می کند و شامل بسیاری از مسائل جزئی تر از قبیل صدق و کذب، گزاره ها و غیره می شود. لذا، در این پژوهش، اگرچه بناچار این عنوان کلی را برگزیدیم، اما خوش بختانه مباحث جزئی را نیز به حد توان در فهرست مطالب افزوده ایم و هر یک را به اندازه ی نیاز شرح داده ایم. لازم به ذکر است که موضوعات و مسائل زبان شناختی رساله ی کراتیلوس ریشه در فرهنگ و تفکر هلنیستیک و اساطیر یونانی دارد که افلاطون وامدار آنهاست و در این رساله نیز از آنها بشدت متأثر است. مسائلی که سقراط از شاعرانی مثل هومر و تبارنامه ی خدایان اثر هسیود نقل می کند و مبنای ریشه شناسی های بسیاری در این رساله قرار می گیرند و هم چنین بیان مشرب های فکری پیش از سقراط از قبیل: پیروان ارفه اوس، آناکساگوراس، هراکلیتوس و پیروانش، پروتاگوراس و غیره، همگی گواه این مطلب هستند. اگرچه شاید برخی از آنها امروزه اعتبار خود را از دست داده باشند؛ اما این مسأله از ارزش و اهمیت تاریخی آنها نمی کاهد. علاوه براین، برخی از مشکلات زبان شناختی مطرح شده در کراتیلوس، صرف نظر از اندیشه و فرهنگ یونانی، هم چنان به قوت خود باقی است و از ضرورت پرداختن به آنها در هر دوره و زمانی هرگز کاسته نمی شود. متأسفانه، با اینکه قرنهای زیادی نیز از قدمت کراتیلوس میگذرد و حتی با اینکه امروزه فلسفه در مرحله نوینی از زبان شناسی قرارداد و گام های بلندی نیز در این عرصه برداشته است، این رساله هنوز در کشورمان مورد غفلت جدی واقع شده است و به تحقیق می توان گفت تا کنون پژوهش های مطلوب و جامعی که صرفاً درباره ی خود رساله ی کراتیلوس باشد، صورت نگرفته است. ازاینرو، اینجانب در نگارش این اثر از منابع و تفاسیر و پژوهش های فارسی بی بهره بوده ام؛ البته ترجمه های اندکی از منابع خارجی در دسترس است. غرض از بیان این مطلب، ذکر این نکته است که پژوهش ناچیز حاضر تنها اشاره ایست به مسیری طولانی در عرصه ی زبان و زبانشناسی - بخصوص رساله ی کراتیلوس - که بایستی پیموده شود تا افق های فلسفی بیشتری از ذهن و زبان و اندیشه ی افلاطون روشن شود و چراغ راه پویندگان قرار گیرد. بعد از این مطلب، لازم است تا نکاتی را درباره ی فهرست مطالبی که در این رساله تنظیم شده اند، اندکی توضیح داده شوند و نحوه ی قرار گرفتن و چگونگی تنظیم آنها ذکر گردد. ابتدا در ترتیب مطالب رساله، سعی شده تا سبک و ساختار رساله ی کراتیلوس مورد توجه باشد و محتوای رساله نیز بقدر کافی بیان شود. چون کراتیلوس هم از جهت تاریخی و هم از لحاظ محتوایی، حائز اهمیت است - که عمدتاً درباره زبانشناسی است - لذا سعی شده است جانب هر دو جهت رعایت شود و پژوهش حاضر در سه بخش اصلی تنظیم شده است. بخش اول به ساختار کلی و موضوع رساله و سبک آن که نوعاً دراماتیک است، اختصاص داده می شود. هم چنین تاریخ رساله و شخصیت های رساله نیز در این بخش ذکر می

شوند. از نظر محتوایی در بخش دوم، که اصلی ترین و بیشترین مطالب را در برمی گیرد، شرح زبان شناسی رساله و بیان دیدگاه ها و مسائل و نظریات زبان شناسی را شامل می شود. در فصل اول از بخش دوم، یعنی قسمت (الف) از این بخش، درباره ی آغاز دیالوگ است و به طور کلی دیدگاه هایی را بیان می کند که معمولاً مسلم فرض شده اند و عقیده رایج آن دوره نیز بوده است، مثل تضاد میان قانون و طبیعت و طبیعت گرایی. فصل دوم همین بخش - قسمت (ب) - راجع به دفاع از طبیعت گرایی است و در واقع، گفتگو بین سقراط و هرموگنس صورت می گیرد. در این قسمت، استدلال های طبیعت گرایی توسط سقراط شرح داده می شوند و هرموگنس نیز همراه با سقراط به بحث ادامه می دهد. به طور کلی استدلال اصلی سقراط علیه نظریه قراردادگرایی هرموگنس که مبنی بر طبیعت داشتن افعال (مانند بریدن و سوختن) است، در این فصل بیان شده است. البته، مبحث مهم قانونگذار و اهل دیالکتیک نیز در این فصل مطرح می شوند که به طور کامل در تضاد با نظریه هرموگنس نیست. فصل سوم (پ) در ارتباط با شرح نظریه قراردادگرایی هرموگنس و برخی مسائل منشعب شده از آن، از قبیل: زبان خصوصی، صدق و کذب، پارادوکس کراتیلوس، نام هرموگنس و نسبی گرایی پروتاگوراس است. در آخر، بخش سوم قرار دارد که مربوط به مبحث ریشه شناسی است. این موضوع، یکی از مباحث مفصل در رساله کراتیلوس است که بین سقراط و هرموگنس صورت می گیرد و براساس فرهنگ و اساطیر یونانی توسط سقراط تبیین می شود. در این پژوهش، بعد از ذکر مقدمه ریشه شناسی، تنظیم و ترتیب ریشه شناسی مورد بررسی قرار می گیرد. در پایان، این نکته قابل ذکر است که فهرست تنظیم شده در این پژوهش، علاوه بر در نظر گرفتن ساختار و محتوای رساله ی کراتیلوس از هر دو لحاظ، دقیقاً براساس ترتیب محتوایی و سیر گفتمانی شخصیت های رساله کراتیلوس تنظیم نشده است، بلکه در برخی موارد به اقتضای بحث مطالب جابجا شده و در مواردی نیز، از ترتیب موضوعی رساله پیروی شده است. البته واضح است که این کار در برخی موارد بدون ذوق و سلیقه محقق نبوده است.

بخش ۱

ساختار رساله کراتیلوس و شخصیت های آن

۱-۱ ساختار رساله

۱-۱-۱ تاریخچه رساله کراتیلوس

شرح ترتیب وقایع تاریخی منصوب به دیالوگ های افلاطون، یکی از جدال آمیزترین موضوعات است و تنها منحصر به رساله کراتیلوس نمی باشد. تاریخ این محاوره و همین طور هدف آن، به طور جدی مورد چون و چرای مفسرین قرار گرفته است. همان طور که می دانیم، دوره آثار افلاطون را، بر اساس نوعی ترتیب زمانی به سه دوره تقسیم کرده اند. در نوشتارهای اولیه، گویی افلاطون در سوگ سقراط به سر می برد و بیشتر قصد دارد که میراث فضیلت او را به نمایش بکشد و در نتیجه، محاوراتی که پدید می آیند، بیانگر افلاطون سقراطی است تا خود افلاطون. بعد از این دوره، افلاطون در پی بیان عقاید محصل خویش بر می آید و به دنبال پاسخ برای سؤال های اساسی در باره ی مسائل دانش و ارزش و غیره می گردد؛ از طرفی روشی را از زبان سقراط بیان می کند که منجر به حوزه جداگانه ای از موجودات متعالی می شود که به طور کلی این امور، دوره میانی محاورات او را تشکیل می دهد. در نهایت در دوره پایانی، افلاطون به حکم پختگی و درایت و البته محافظه کاری، در نقد و تعدیل آراء قبلی خویش می کوشد. در آثار این دوره، غالباً سقراط به عنوان شخصیت اصلی نظریه پرداز، حذف می شود و افلاطون، خود سخنگوی اصلی نظریات خویش است. از آنجا که فعالیت فلسفی افلاطون، دست کم پنجاه سال به طول می انجامد، بدیهی است که جریان تفکر انسانی با تغییر شرایط حیاتی و زیستی، همواره متحول می شود و اگر قرار باشد حاصل این تحول در نمایشی پنجاه ساله به نظاره نشست شود، بی شک تفسیر رویکرد ها و تفاوت نگرش ها، نباید از نگاه تیزبین محقق مخفی بماند. تقسیم بندی آثار افلاطون و تعیین تعلق زمانی هر یک از آنها به دوره های متفاوت فکری، به محقق کمک می کند تا هر چه بهتر ارزش مفاهیم و نظریات فلسفی ارائه شده در فلسفه او را، نسبت به کل حیات فکری اش دریابد تا شاید بیشتر بتواند به فهم فلسفه این فیلسوف بزرگ همه اعصار راه یابد. بنابراین، فهم مناسب رساله ای با قدمت نزدیک به ۲۵۰۰ سال، بی شک در بستر تاریخی خودش میسر است. اما روشن است که این بستر به هیچ وجه به صورت تمام و کمال به ما داده نشده است و منابع موجود پر از حدس و گمان های مورخین و شارحینی است که خود را ناچار از این حدس ها دیده اند تا شاید بتوانند در راه فهم اولین نظام تفکر بشری که به ثبت رسیده مسیرهایی بکشایند. با این وجود، درباره تاریخ رساله کراتیلوس باید اشاره کنیم که برخی از منتقدین آن را جزو محاورات اولیه دانسته اند، یعنی پیش از فایدون، مهمانی

فایدروس و جمهوری قرار داده اند؛ اما برخی دیگر از مفسرین، شباهت هایی میان کراتیلوس و محاورات بعدی افلاطون تشخیص داده اند؛ مخصوصاً از قرن بیستم به بعد، شباهت های ظاهری آن با محاورات انتقادی نظیر پارمنیدس، تثائتوس، سوفسطایی و سیاسی طرفداران بیشتری پیدا کرده است، اگرچه هنوز میان مفسرین، اجماع حاصل نشده است. (ر. ک به : گاتری، ۱۹۶۹، صص ۱۹، ۲۰: همچنین به لوس^۱ ۱۹۶۴، صص ۱۴۰) تیلور^۲ معتقد است از حیث سبک شناختی، شباهت هایی میان کراتیلوس و جمهوری وجود دارد و شیوه طنز نویسی این دو رساله را در برخی موارد شبیه یکدیگر می داند و کراتیلوس را پیش از پارمنیدس و سوفسطایی نمی داند، بلکه آن را مقدم بر تمام محاورات نمایشی بزرگ مثل فایدون، سمپوزیوم، سیاسی و حتی پروتاگوراس قلمداد می کند. (تیلور، ۲۰۰۱، صص ۷۵) گمپرتس نیز در اثر خود، *کراتیلوس* را، همانند رساله های منون و مهمانی، قبل از تثائتوس، ذکر می کند و آن را متعلق به آن دسته از آثار افلاطون، که از دیدگاه نظریه ی شناسایی، مراحل مقدماتی تثائتوس را تشکیل می دهند، می داند. وی این دو رساله را از لحاظ محتوا و طرح سؤالات و ادعاهای مطرح شده ی پروتاگوراس و هراکلیتوس در آن، بهم پیوسته می داند (گمپرتس، ۱۳۷۵، صص ۱۱۰۹) آکریل^۳ هم، نظر مشابهی در این باره ذکر کرده است و تاریخ این رساله را قبل از تثائتوس و سوفسطایی می داند. (آکریل، ۲۰۰۳، صص ۱۲۵) براساس تفسیر آدمولا^۴، کراتیلوس از لحاظ سبک شناختی و اسلوب نوشتاری نمی تواند متعلق به دیالوگ های اخیر افلاطون، از قبیل سوفسطایی، پولیتکوس، تیمائوس، سیاست، کریتیاس، فیلبوس و قوانین باشد؛ هم چنین از نظر وی، بسیاری از محققان بر این باورند که مطالعات سبک شناختی در شناسایی دیالوگ های دوره انتقالی افلاطون، موفق و کامیاب بوده است؛ گروهی از این دیالوگ ها مثل پارمنیدس، جمهوری، تثائتوس و فدروس هستند که کراتیلوس متعلق به این گروه هم نیست. بنظر آدمولا، رساله کراتیلوس به احتمال بیشتر، متعلق به یک گروه قبل تر از این دیالوگ ها است. آدمولا محتاطانه دو مطلب را درباره ی تاریخ قرار گرفتن این رساله در میان دیگر رساله های افلاطون بیان می کند: ابتدا نکته حائز اهمیت در رساله کراتیلوس این است که در آن، نظریه ی مثل مطرح شده است؛ اما هنوز در مراحل آغازین خود قرار دارد و صور هنوز در این رساله، کاملاً متعالی یا جدا نگشته اند؛ این مطلب به دلیل بیان ساده و ابتدایی و مبهم درباره نظریه مثل در این رساله است که می تواند طرحی برای بیان پیشرفته تر آن باشد؛ از طرفی، این محاوره به صورت نمایشی، به تنظیم موضوعاتی از قبیل نسبیت پروتاگوراس، سیلان و تغییر هراکلیتی، دیالکتیک، تقسیم

¹ Luce

² Taylor

³ Ackrill

⁴ Ademollo

توسط انواع، مطالعه حروف و ارتباط بین آنها به عنوان یک نمونه و الگو برای شناخت موجودات، ساختار جملات به طوری که اساساً از نام‌ها و فعل ترکیب شده‌اند و هم چنین لوگوس می‌پردازد. معمولاً، این موضوعات برای ورود به گروه انتقالی و گروه اخیر دیالوگ‌ها معین شده‌اند، مخصوصاً رسالهٔ تثایتتوس، سوفسطایی و فدروس؛ البته استدلالی در کراتیلوس مبنی بر رد نسبت پروتاگوراس و هم چنین طرد نظریه سیلان، برای اولین بار مطرح می‌شود که به طور مستقل از هر نتیجهٔ سبک شناختی، نشان می‌دهد که این رساله برای خواننده شدن قبل از تثایتتوس طراحی شده است. مطلب دیگری که ذکر می‌شود این است که، خوانندگان رسالهٔ کراتیلوس بایستی از قبل با فایده‌ها آشنا باشند؛ زیرا، فایده‌ها مقدمه‌ای است برای آشنایی با کراتیلوس و خود کراتیلوس پیشوازی است برای رسالهٔ تثایتتوس؛ بر این اساس، این محاوره نمی‌تواند متعلق به محاورات دورهٔ اخیر زندگی افلاطون باشد. (آدمولا، ۲۰۱۱، ص ۱۹) اکنون همان گونه که ذکر کردیم، با وجود نظریات گوناگون، این نتیجه دربارهٔ رسالهٔ کراتیلوس قطعی است که دربارهٔ تاریخ آن نباید به قطع سخن گفت و نمی‌توان گفت کسانی که به سبک بیشتر اهمیت می‌دهند، کراتیلوس را محاوره‌ای اولیه قلمداد می‌کنند و محققانی که محتوا را مهم‌تر می‌دانند، آن را جزء محاورات بعدی افلاطون، مخصوصاً دورهٔ میانی به حساب می‌آورند.

۲-۱-۱ تاریخ نمایشی رساله

دربارهٔ تاریخ نمایشی کراتیلوس و نحوهٔ وقوع فرضی گفتگو، گاتری نقل می‌کند که تصور اکثر محققان، اینست که در خود رساله هیچ اشاره‌ای به تاریخ وقوع فرضی آن صورت نگرفته است؛ اما آلن^۵ استدلال کرده است که، آخرین سال زندگی سقراط مد نظر بوده است (گاتری، ۱۹۶۹، ص ۲۱) به عقیدهٔ تیلور، بر اساس لحن محاوره می‌توان حدس زد که کراتیلوس و هرموگنس هر دو مردانی قطعاً جوانتر از سقراط بوده‌اند. البته اطلاعات نمایشی این رساله، بسیار محتمل هستند و نمی‌توان با قطعیت بیان کرد. به نظر تیلور، احتمالی‌ترین وجه این است که، تنظیم قواعد رفت و آمد در ایجینیا، تلویحاً به ۴۳۳ قبل از میلاد اشاره می‌کند، که مرتبط با سکونت و اشغال آتنیان میلیتاری این جزیره، در ۴۳۱ قبل از میلاد بوده و این موضوع اطلاعی است که نبایستی خیلی دور از آغاز جنگ آرچیدامین باشد، یعنی زمانیکه سقراط بایستی در سن ۴۰ تا ۴۹ سالگی و دو نفر دیگر، شاید بیست سال جوانتر باشند؛ زیرا، کالیاس برادر بزرگتر هرموگنس هنوز

⁵. Allan

زنده است و در کارهای عمومی روزمره فعال بوده و جوانی کراتیلوس با صراحت توسط سقراط در پایان دیالوگ مشخص شده است. (تیلور، ۲۰۰۱، ص ۷۶) طبق آنچه در تفسیر آدمولا ذکر شده، به طور کلی مدرک و شاهد مطلق درباره اطلاعات نمایشی و منسوب به این دیالوگ نداریم؛ با وجود این، آدمولا نظری را که بیشتر احتمال آن را می دهد، بیان می کند. تنها دلیل و سند درباره ی تاریخ نمایشی کراتیلوس، در بند ۳۹۱ رساله است، جائیکه سقراط به هرموگنس درباره بهترین راه تحقیق در مورد درستی نام ها می گوید، این کار تنها از طریق کسانی که با پرداخت پول و کمک به سوفسطائیان آموزش می بینند، میسر است؛ زیرا، سوفسطائیان افرادی هستند که بهترین آموزش ها را در این زمینه ارائه کرده اند؛ کسانی که کالیاس برادرت، پول زیادی به آنها پرداخت کرده و از آن طریق شهرت و اعتباری برای عقل و معرفت بدست آورد. سقراط، هم چنین به هرموگنس توصیه می کند، بدلیل اینکه صاحب املاک و دارایی پدرش نبوده است، باید از برادرش کالیاس خاضعانه درخواست کند تا درباره درستی نام ها که از پروتاگوراس آموخته به او نیز آموزش دهد. آدمولا به نقل از نیلز^۶ بیان می کند: هیپونیوکوس دوم پدر کالیاس و هرموگنس، در سال ۴۲۲/۱ قبل از میلاد هنوز زنده است، زمانی که سقراط به هرموگنس می گوید هنوز به ثروتی که متعلق به توست نرسیده ای، اشاره می کند که هرموگنس تنها به مقداری از میراث از جانب پدرش چشم داشته است. بنابراین، رساله ی کراتیلوس بایستی قبل از ۴۲۲/۱ تنظیم شده باشد، یعنی سالی که هیپونیوکوس از دنیا می رود؛ اما آدمولا بیان می کند، هرموگنس وارث پدرش نیست و برادرش کالیاس وارث پدر می باشد. از این رو، تاریخ نمایشی این گفتگو احتمالاً برای بعد از سال ۴۲۲/۱ تنظیم شده است. (آدمولا، ۲۰۱۱، ص ۲۰)

۳-۱-۱ درستی نام ها

چه در متون افلاطون و ارسطو و چه در سایر منابع بازمانده از یونان باستان، گزارشهای متعددی از دل مشغولی سوفسطائیان به بررسی کلمات و میزان صحت آنها در دست می باشد؛ اما بعید می نماید سوفسطائیان که نزد ما به آموزگاران سخنوری مشهورند، به همان جهت بررسی کلمات را پیشه ی خود ساخته باشند که سقراط و افلاطون در نظر داشتند؛ چون سقراط و افلاطون در بسیاری از موارد با سوفسطائیان مخالف بودند. هدف سقراط از بررسی کلمات، اصولاً دست یابی به موضعی اخلاقی است و افلاطون نیز، برای رسیدن به یک جهان بینی ثابت واژگان را بررسی می کند و یا حداقل چنین نظریه ای را

^۶. Nails

در نظر دارد. با این حال لازم است اصطلاح (اورثوئیپیا) که نزدیکترین ترجمه ی آن بیان درست است را، متمایز از اصطلاح (اورثوتیس اونوماتون) به معنی (درستی نام ها) ملاحظه کنیم. کار سوفسطائیان استعمال موثر زبان به گونه ای که شنونده را قانع سازد، با اصطلاح اول هماهنگ تر است. (گاتری، ۱۳۵۷، ص ۸۶) عنوان «درستی نام ها»^۷ و به طور کلی درستی واژگان که در کراتیلوس مطرح می شود، یکی از موضوعات مهم و بحث انگیزی است که در اواخر قرن پنجم قبل از میلاد در بین سوفسطائیان رایج بوده است. سوفسطائینی شبیه پرودیکوس آموزش ها و مباحث پیوسته ای در این موضوع و علم مترادفات که مربوط به درستی نام هاست ارائه کرده اند؛ سقراط پرودیکوس را درباره درستی کلمات صاحب رأی می دانست و او را در همین رابطه، استاد خود و دارای حکمت الهی می خواند. (سدلی، ۲۰۰۶) افلاطون، آموزش درستی نام ها را به پروتاگوراس و پرودیکوس و به طور کلی به سوفسطائینی از جمله آنتیفون که این مسئله در زمان او مورد توجه گسترده قرار گرفته بود، نسبت می دهد. از آنتیفون اشاراتی به مباحث رابطه زبان با متعلق آن در دست است. جالینوس نقل قولی در کاربرد دو پهلوی کلمات از او دارد که بیانگر ناخرسندی اوست. جالینوس او را همان کسی معرفی می کند که چگونگی ساختن اسامی را می آموزد. اما کراتیلوس افلاطون، مسئله را بدین صورت مطرح می سازد که آیا اسامی چیزها تناسب ذاتی و طبیعی با خود آنها دارند یا صرفاً علائمی قراردادی هستند و درستی واژگان به معنایی شامل تفکرانی درباره تناسب طبیعی نام ها با معانی آنها و شیء مورد نظر بوده است. (گاتری، ۱۳۷۷، ص ۸۴) درواقع، اینکه منظور از درستی نام ها در رساله کراتیلوس چیست، توصیفی در این باره در خود رساله ارائه نمی شود و همان طور که آدمولا بیان می کند، معنای نام و درستی به طور واضح در این دیالوگ شرح داده نشده و شخصیت های دیالوگ، این موضع را که اشیاء و امور، دارای اسامی صحیح هستند، از همان ابتدا بدیهی فرض می کنند. به عبارت دیگر، در کراتیلوس افلاطون، اینکه اشیاء و افعال ... دارای اسم هستند و نامگذار اسم صحیح را بر آنها نهاده است و اسامی، نام های صحیح اشیاء هستند، بدیهی فرض می شود؛ اما اینکه اسامی شامل چه مواردی می شوند و نامگذار آنها چه کسی است و چگونه این اسامی صحیح را بر آنها نهاده است، مباحثی است که در رساله کراتیلوس به آن پرداخته می شود. به طور کلی، واژه ی نام، تمام اقسام کلمه را صرف نظر از نقش دستوری آنها شامل می شود. کلمه و واژه، در کراتیلوس شامل اسامی خاص مثل نام اشخاص و اسامی عام و انتزاعی مثل «انسان» و صفات، قیود، حروف اضافه، فعل ها در حالت ساده و مصدری یا وجه وصفی می شوند؛ هم چنین یک اسم، شامل هر عملکردی که بیانگر حالتی است، می شود، مثل خوابیدن، فکر کردن و.. (آدمولا، ۲۰۱۱، ص ۱) افعال

⁷ Correctness of names